

ماندگار

www.mandegardaily.com

سال هشتم شماره ۱۹۶۸ دوشنبه ۲ حوت / اسفند ۱۳۹۵ ۲۳ جمادی الاول ۱۴۳۸ ۲۰ فبروری ۲۰۱۷



عزیزی بانک
Azizi Bank

عزیزی بانک، بانک مورد اعتماد همه

مژده به اداره های دولتی، مؤسسه های داخلی و خارجی!

تا اکنون کارمندانی که تنخواه ماهانه شان را از طریق عزیزی بانک دریافت کرده اند، از ما خوشنود استند؛ چون عزیزی بانک به «سرعت و دقت» تأکید دارد. شما هم می توانید در عزیزی بانک برای کارمندان تان «حساب معاش» ایجاد کنید و از خدمات رایگان ماشین های اتومات صرافی ما بهره مند شوید.



www.azizibank.af

1515

غنی مونشن کنفرانس کې د افغانستان دریخ روښانه کړ



صفحه ۶

اتهام علیه یکدیگر اما تا چه زمانی



صفحه ۲

واکنش وزارت تجارت و صنایع به مسدودماندن تورخم و سپین بولدک:

دیگر متکی به پاکستان نیستیم



صفحه ۶

وزارت دولت در امور رسیده گی به حوادث طبیعی:

برای سیلاب های فصل بهار آمادگی لازم داریم



صفحه ۳

افغانستان و ایران همکاری های امنیتی و اقتصادی شان را گسترش می دهند



صفحه ۳

غنی پیشنهادش را جدی بگیرد!

صفحه ۲

احمد عمران

اتهام علیه یکدیگر اما تا چه زمانی



افغانستان نیز تمام شده است. حالا پاکستان تنها به رد حمایت از تروریسم نمی‌پردازد، بل عملاً می‌گوید که ریشه مشکلات امنیتی آن کشور نیز در خاک افغانستان است و حتی تهدید به وارد کردن فشار نظامی می‌کند. هرچند چنین اقدامی از سوی پاکستانی‌ها چندان عملی به نظر نمی‌رسد و کسی هم آن را زیاد جدی نگرفته، ولی نفس تهدید به خودی خود چندان خوش‌آیند نمی‌نماید. پاکستانی‌ها کشوری را متهم به حمایت از تروریسم می‌کنند که خود قربانی آن است و هر روز با مصایب و بلاهایی که از آن سوی مرز فرستاده می‌شوند، مبارزه می‌کند. یکی از آگاهان سیاسی کشور که اتفاقاً مطالعات گسترده در مسایل بین‌الملل هم دارد، در صفحه‌ی رخ‌نمای خود از پنج اولویت کاری رئیس‌جمهوری کشور پیش از سفر به آلمان و شرکت در نشست امنیتی مونیخ سخن گفته است. به گفته‌ی این آگاه سیاسی، پیش از انجام این پنج اولویت، شرکت در کنفرانس مونیخ هیچ دردی را دوا نمی‌کند. ملک‌ستیز آگاه مسایل بین‌الملل، خود را جای رئیس‌جمهوری قرار داده و می‌نویسد: "نخست، حیثیت معاون اول ریاست جمهوری را که پیوندی با صلابت نظام دارد، احیا می‌کردم. این‌جا بحث دوستم مطرح نیست، بحث حیثیت نظام سیاسی در سطح ملی و بین‌المللی مطرح است. دوم، مشروعیت ساختاری نظام را در اولویت تمام برنامه‌های خود قرار می‌دادم و دکتر عبدالله را با لایحه و وظایف قانونی، دقیق و با صلاحیت به صفت شریک برنامه‌های مهم دولت بویژه در زمینه توسعه اقتصاد ملی حمایت می‌کردم. سوم، شناسنامه‌های الکترونیکی را با آلمان و یا جاپان قرارداد می‌کردم و گروه‌های حرفه‌یی را برای خودکفایی برنامه‌های آن توسط این دولت‌ها تربیت می‌کردم. چهارم، تاریخ انتخابات را دقیق می‌ساختم و کنفرانس بین‌المللی «حمایت از مردم‌سالاری را در افغانستان» برای حمایت تخنیکی، اقتصادی و حرفه‌یی انتخابات به‌راه می‌انداختم. پنجم، به ایالات متحده سفر می‌کردم و نیازمندی‌های استراتژیک افغانستان را با استراتژی جدید کاخ سفید وفق می‌دادم. امریکایی‌ها را به هماهنگی هر دو استراتژی قانع می‌ساختم. هر زمانی که به این پنج عنصر سرنوشت‌ساز پاسخ سازنده می‌داختم، در کنفرانس جهانی امنیتی در مونیخ شرکت می‌کردم. در غیر آن، حرفی برای گفتن در همچو پلتفرم جدی نداختم".

این تحلیل که به نظر می‌رسد واقعیت‌های زیادی را در خود پنهان دارد، نشان می‌دهد که رهبری کشور چقدر از فهم و تحلیل مسایل کشور و منطقه فاصله دارد و می‌خواهد با همین فهم ناقص، به حل مشکلات بنیادی کشور و از جمله امنیت و مناسبات با کشورهای دیگر و از جمله پاکستان نایل شود.

شده بود، از این کشور خواسته است که مبارزه با گروه‌های هراس‌افکن را که باعث ناامنی در خاک افغانستان می‌شوند، با جدیت پیگیری کند. در این اسناد، فهرستی از کسانی درج شده که متهم به رهبری گروه طالبان اند و در حال حاضر در خاک پاکستان زنده‌گی می‌کنند.

جنرال نیپل رئیس پیشین امنیت ملی کشور نیز در یک نوشته از دخالت‌های مستقیم نظامیان پاکستان در امور افغانستان و حمایت از گروه‌های شورشی پرده برداشته است. به گفته‌ی آقای نیپل، حملات در خاک پاکستان و افغانستان عملاً زیر نظر اداره‌ی آی‌اس‌آی (سازمان استخبارات پاکستان) صورت می‌گیرد. سوال این‌جاست که تا چه زمانی این وضعیت میان دو کشور پاکستان و افغانستان ادامه پیدا خواهد کرد و تا چه زمانی هر دو کشور یکدیگر را متهم به حمایت از گروه‌های مسلح مخالف خود می‌کنند؟

حامد کرزی رئیس‌جمهوری پیشین افغانستان در واکنش به حمله به زیارتگاه صوفیان سند، گفته که وضعیت موجود در پاکستان ناشی از سیاست‌های اشتباه آن کشور در مبارزه با تروریسم است. این به گفته‌ی آقای کرزی "اشتباه در سیاست مبارزه با تروریسم" از سوی پاکستان تا چه زمانی تداوم خواهد یافت؟ و از سوی دیگر تا چه زمانی دولت‌مردان کشور یک‌سره در کنفرانس‌های جهانی، منطقه‌یی و ملی از پاکستان و مبارزه ناکام در برابر دهشت‌افکنی سخن خواهند گفت؟

این سوال‌ها همواره تکرار می‌شوند، بدون آن‌که واقعاً برای آن‌ها پاسخ‌های روشن و دل‌خوش‌کننده‌یی وجود داشته باشد. از یک طرف، رئیس‌جمهوری افغانستان از جنگ میان دو کشور سخن می‌گوید ولی از طرف دیگر، مشاور امنیت ملی افغانستان خواهان طرح مکانیسم مشترک میان پاکستان و افغانستان در مبارزه با هراس‌افکنی می‌شود. این همه تفاوت دیدگاه و راهکار، به چه معناست؟ آیا این وضعیت ناشی از سردرگمی و هراس درونی رهبران کشور از تبعات آن‌چه که ممکن است میان دو کشور پاکستان و افغانستان به وقوع بپیوندد، نیست؟

ظاهراً دولت‌مردان افغانستان هنوز نمی‌دانند که با توسل به چه حربه‌هایی می‌توانند جلو مداخلات بیرونی و به ویژه پاکستان را در خاک افغانستان بگیرند. آنان انتظار دارند که امریکا و یا هر کشور دیگری که به عنوان متحد استراتژیک افغانستان در غرب شناخته می‌شود، با وارد کردن فشار بر پاکستان و یا استفاده از حربه‌های مشابه، این کشور را متقاعد کنند که دست از حمایت شورشیان که می‌توانند به هر دو کشور آسیب‌های جبران‌ناپذیر برسانند، بردارد. اما آیا این سیاست راه به جایی خواهد برد؟

تجربه پانزده سال گذشته، نه تنها ناکامی چنین سیاستی را تثبیت کرده، بل حتا به زبان

در حالی که رئیس‌جمهوری افغانستان از حضور بیشتر از ۲۰ گروه تروریستی در افغانستان خبر می‌دهد، مقام‌های ارتش پاکستان ظاهراً برای برخورد تلافی‌جویانه با گروه‌های تندرو که باعث به‌وجود آمدن فاجعه انسانی در یک زیارتگاه شیعیان در ایالت سند پاکستان شدند، آماده‌گی می‌گیرند.

نواز شریف نخست‌وزیر این کشور هنگام بازدید از مجروحان این حادثه، گفته که کاسه صبر پاکستان لبریز شده است. او به ارتش این کشور دستور داده که به مقابله با گروه‌های تروریستی اقدام کند. در همین حال، فرمانده نیروهای ارتش این کشور گفته که برای مقابله با گروه‌های تروریستی حتا در خارج از خاک این کشور اقدام خواهد کرد.

منظور فرمانده ارتش پاکستان از اقدام علیه گروه‌های هراس‌افکن در خارج از خاک این کشور، افغانستان است که پاکستانی‌ها می‌پندارند سران جماعت‌الاحرار که ظاهراً حمله هفته گذشته را صورت داده اند، در خاک این کشور لانه کرده اند. مقام‌های ارتش افغانستان در واکنش به این اظهارات گفته اند که به هیچ کشوری اجازه نخواهند داد که در خاک افغانستان حمله نظامی انجام دهد. این در حالی است که ارتش پاکستان از هفته‌ها به این سو یک بار دیگر حملات توپخانه‌یی خود را بر مناطق مرزی با افغانستان از سر گرفته اند. به گفته مقام‌های محلی در کنر و ننگرهار افغانستان، بخش‌هایی از این ولایات شاهد حملات توپخانه‌یی و موشکی بوده اند که منجر به فرار ده‌ها باشندة این مناطق از محل زنده‌گی‌شان شده است.

اما از طرف دیگر، رئیس‌جمهوری افغانستان که در کنفرانس جهانی امنیت در شهر مونیخ آلمان صحبت می‌کرد، نسبت به حضور گروه‌های تروریستی در منطقه ابراز نگرانی کرد و گفت که افغانستان قربانی اصلی تروریسم در جهان به شمار می‌رود. به گفته رئیس‌جمهوری افغانستان، مبارزه با تروریسم به هماهنگی جهانی نیاز دارد. آقای غنی در بخشی از سخنان خود گفت که: "جنگ افغانستان، جنگ داخلی نیست؛ زیرا جنگ داخلی در نتیجه اختلافات سیاسی بروز می‌کند. این جنگ تروریستی است، جنگ مواد مخدر است و جنگ اعلام‌ناشده میان دو کشور است".

منظور از جنگ اعلام‌ناشده میان دو کشور در سخنان رئیس‌جمهور غنی کاملاً مشخص است. او در این سخنان اشاره به پاکستان دارد که از آغاز نبرد جهانی علیه تروریسم در افغانستان، این کشور متهم به حمایت از گروه‌های شورشی و تندرو در خاک خود بوده است. به‌تازگی اسنادی در رسانه‌های کشور منتشر شده اند که نشان می‌دهند وزارت خارجه افغانستان طی یک نامه که نزدیک به یک‌ماه پیش به سفارت پاکستان فرستاده

سخن‌ماندگار

غنی پیشنهادش را جدی بگیرد!

رئیس‌جمهور غنی، در دیدار با مسوولان دولت قطر در مونشن آلمان گفته است که اگر طالبان تا بهار و تابستان پیش رو، تغییری در رویکردهای شان نیاورند، باید دفتر آنان در قطر بسته شود.

دفتر سیاسی طالبان در قطر از چند سال به این طرف فعال است و طالبان با استفاده از این دفتر، فعالیت‌های ارتباطی شان را با شبکه‌ها و ساختارهای حامی و مرتبط با تشکیلات‌شان ترتیب و تنظیم می‌کنند. این دفتر سبب شده است که طالبان به عنوان یک طرف مستقل در قضایای افغانستان، در برابر دولت رسمی این کشور قرار بگیرند.

هرچند این دفتر به معنای استقلالیت طالبان نیست و پاکستان در هر حال از این گروه در بازی‌ها و تعاملات جهانی نماینده‌گی می‌کند و دفتر قطر هرگز نتوانسته برای طالبان اهمیتی جدا از سازه‌های زیر کنترل پاکستان پیدا کند؛ اما با این حال طالبان توانسته‌اند که از این دفتر به بسیاری از اهداف خود برسند و زمینه دیدارهایی با مقامات برخی کشورها و گروه‌ها را فراهم آورند. بنابراین دفتر قطر برای طالبان اهمیت بسیار فوق‌العاده داشته و بسته شدن آن نیز برای این گروه به همین پیمان مهم و سنگین خواهد بود.

اما اکنون پرسش اساسی این است که چرا دولت قطر این دفتر را از ابتدای امر برای طالبان گشود و چرا دولت افغانستان مخالفت لازم را با گشایش این دفتر برای طالبان نکرد و چرا حالا که تقریباً پنج سال از گشایش دفتر قطر می‌گذرد، آقای غنی به فعالیت آن معترض شده است؟

این‌که آقای غنی حکومت قطر را - ولو با تأخیر و تعلل فراوان - متوجه چنین نکته مهمی در برخورد با طالبان کرده است، امری شایسته پنداشته می‌شود؛ اما انتظار این است که این اقدام تا سرحد عمل پی‌گیری شود و در حد سخنان تشریفاتی باقی نماند. زیرا یک نکته پنهان در این واکنش شایسته آقای غنی و سایر به‌اصطلاح خط‌نویسان کشیدن‌های ریاست‌جمهوری در برابر طالبان نیز، انعطاف‌پذیری و گذاشتن راه گنجشک است. آقای غنی در برابر طالبان همیشه با کلمه اگر و حروف شرط و قیدهای مبهم برخورد می‌کند و چنان می‌نماید که گویی به‌تازگی طالبان دست به اعمال نادرست زده‌اند و سبب عصبانیت دولت و رئیس‌جمهور شده اند.

در حالی که طالبان نه فقط در دو سال دولت وحدت ملی، که بیش از بیست سال است که دست به جنایت‌های وحشتناک می‌زنند و دولت و نظم نسبی موجود را به چالش مواجه می‌کنند. این‌که آقای غنی هشدار بدهد که اگر طالبان چنین و چنان نکنند، دفترشان در قطر باید بسته شود؛ حکایت از این دارد که طالبان هنوز در دل آقای غنی محبوبیت و سیاست و استراتژی ارگ مقبولیت دارند. اگر چنین چیزی وجود نمی‌داشت، آقای غنی باید بسیار پیش از این‌ها از دولت قطر می‌خواست که دفتر طالبان را بسته کند و اگر دولت قطر این درخواست را مراعات نمی‌کرد، دولت افغانستان می‌بایست گزینه‌های دیگری را در روابط با دولت قطر و میزبانی آنان از طالبان روی دست می‌گرفت. حالا هم که آقای غنی این مسأله را مطرح کرده است، هنوز پاسخ روشنی از سوی مقامات قطر دریافت نکرده و امید چندانی وجود ندارد که این درخواست مورد توجه قرار گیرد.

اما مردم افغانستان از آقای غنی به عنوان عالی‌ترین مقام و مسوول در برابر سرنوشت شهروندان انتظار دارند که از طالبان و دست‌کم از دفتر آنان در قطر قطع‌علاقه کند و درخواست انسداد چنین دفتری را از مجاری دیپلماتیک تا سرحد عمل پیگیری نماید تا به این ترتیب، هم حکومت و رئیس‌جمهوری مورد حمایت توده‌ها قرار گیرند و هم طالبان به‌تدریج از دایره بازی‌های بیرونی و ابزارگشته‌گی بیگانگان خارج شوند.

وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث طبیعی:

روح‌الله بهزاد

برای سیلاب‌های فصل بهار آماده‌گی لازم داریم



برفباری‌های سنگین در کشور ده‌ها خانه را کاملاً از بین برد و مسیرهای ارتباطی بسیاری از مناطق را در ولایات مختلف کشور بست. گذرگاه استراتژیک سالنگ که پایتخت را به ۹ ولایت شمالی وصل می‌کند، به دلیل سنگینی برف و سرازیر شدن برف‌کوج، به روی رفت‌وآمد موترها بسته شده و جاده غزنی به قندهار هم برای مدتی بسته بود. باریدن باران و برف، به مردم شماری از مناطق در کشور جان دوباره می‌دهد و نیز تأمین کننده دوباره ذخایر آب زیرزمینی می‌شود که سال آینده مردم احتمالاً با خشک شدن چاه‌های آب‌شان دچار نخواهند شد، اما عکس مسأله، برای شهروندان بعضی مناطق کشور برف و باران تباہ کننده و خسارت‌آور است.

در عین حال، مسوولان در وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث طبیعی می‌گویند، در برفباری‌های سنگین اخیر، ۱۸۱ تن از شهروندان کشته و ۱۶۸ تن دیگرشان زخمی شدند که برای همه‌شان امدادسانی صورت گرفته است.

آنان با بیان این‌که وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث طبیعی پیش از رسیدن فصل سرما در آماده‌گی کامل برای رسیده‌گی به حوادث طبیعی قرار داشتند، گفتند امسال در اثر ریزش برف، در سراسر کشور ۳۴۹ خانه به صورت کلی و ۱۶۸ خانه به صورت قسمی تخریب شده است.

این مسوولان هم‌چنان اطمینان می‌دهند که برای سیلاب‌های ناشی از آب شدن برف‌ها در بهار آینده نیز با طرح و برنامه آماده‌اند و کارهای پیش‌گیرانه‌ی نیز در حال انجام شدن دارند.

عمر محمدی، سخنگوی وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث طبیعی در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار می‌گوید: وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث طبیعی در هماهنگی با نهادهای داخلی و بین‌المللی پیش از آمدن زمستان با آماده‌گی کامل به سر می‌برد تا در صورت وقع حادثه‌ی به آن رسیده‌گی کنند.

آقای محمدی افزود: در مسیرها و گذرگاه‌های ۲۲ ولایتی که امسال زیر پوشش برفباری‌ها قرار گرفته بود، هیچ تلفاتی وجود نداشت، تلفات برفباری‌های امسال ناشی از فروریختن سقف‌های منازل و در شماری از مناطق هم برف‌کوج‌ها مردم را غافل گیر کرد.

حفظ می‌گردد." او گفت که وزیر دولت در امور رسیده‌گی به حوادث طبیعی روز گذشته طی دستوری، طرح‌ها و برنامه‌های پیش‌گیرانه ناشی از حوادث طبیعی را به تمام ولایت‌ها فرستاده است تا آماده‌گی‌های لازم برای فصل بهار داشته باشند.

برفباری‌های اخیر در کشور به ویژه شهر کابل به حدی بود که حکومت مجبور شد به خاطر برف سنگین، تعطیل عمومی اعلام کند. به دنبال آن، اداره هوانوردی هم اعلام کرد که به دلیل برفباری‌های سنگین و برف‌گیر شدن خط پرواز فرودگاه کابل، همه پروازهای داخلی و خارجی در این فرودگاه لغو شود.

رسیده‌گی صورت گیرد. آقای محمدی می‌گوید، آماری که آنان از ۱۵ دلو تا به حال به دست دارند، نشان می‌دهد که در برفباری‌های اخیر، ۱۸۱ تن کشته، ۱۶۸ تن زخمی، ۳۴۹ خانه به صورت کلی تخریب و ۱۶۸ به صورت قسمی تخریب شده‌اند.

آقای محمدی در پاسخ به این پرسش که وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث طبیعی چه برنامه‌ی برای سرازیر شدن سیلاب‌هایی که قرار است به دنبال آب شدن برف‌ها به وجود بیاید دارد، خاطر نشان ساخت: "همان‌گونه که برای برفباری‌های فصل سرما دارای برنامه بودیم، برای بهار سال آینده نیز طرح‌ها و برنامه‌های مشخصی داریم، نقاط آسیب‌پذیر را زیر نظر گرفته‌ایم، دیوارهای استناری ساخته‌ایم، پروژه‌های زیربنایی

آقای محمدی با بیان این‌که امدادسانی را در چندین مرحله انجام داده‌اند، تصریح کرد: مرحله نخست ما عملیات جستجو و نجات بود، ما تلاش کردیم تا شهروندان گیرمانده را از زیر برف‌کوج‌ها بیرون کنیم. در مرحله بعدی، راه‌ها موصلاقی را باز کردیم که هر دو عملیات موفقانه انجام شد.

او در ادامه سخنانش اظهار داشت: در مرحله سوم در بسیاری از مناطق بسته‌های امدادی مانند مواد غذایی و غیر غذایی را رساندیم و به دنبال آن، به هر ورثه شهید مبلغ ۵۰ هزار افغانی و به زخمیان ۲۰ هزار افغانی کمک نقدی کردیم.

به گفته سخنگوی وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث طبیعی، آنان بر بنیاد میزان آسیب‌پذیری هر ولایت، به مقامات آن از ۲ تا ۵ میلیون ارسال شده است تا در صورت بروز حادثه‌ی به آن

افغانستان و ایران همکاری‌های امنیتی و اقتصادی‌شان را گسترش می‌دهند

آقای غنی در مورد خط آهن که چین را از طریق افغانستان به ایران وصل می‌کند و همچنان اتصال کشورهای آسیای میانه از طریق افغانستان و احیای راه ابریشم صحبت کرد.

در این دیدار قرار بر آن شد تا در باره بسته پیشنهادی افغانستان، حکومت ایران نظریات خود را شریک سازد و پس از آن در این رابطه گفتگوها آغاز شود.

آقای غنی در حاشیه نشست امنیتی مونیخ با اخضر ابراهیمی نماینده اسبق سازمان ملل متحد برای افغانستان نیز دیدار کرد.

در این دیدار هر دو جانب روی مسایل افغانستان و منطقه بحث و تبادل نظر کردند و رئیس‌جمهور غنی، آقای ابراهیمی را دوست و همکار خوب افغانستان خواند.

همچنان آقای غنی با بنعلی یلدریم صدراعظم ترکیه نیز دیدار کرد و هر دو جانب روی گسترش مناسبات و همکاری‌های مزید میان افغانستان و ترکیه بحث و تبادل نظر کردند.

به همین ترتیب، در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ، در حضورداشت رئیس‌جمهور غنی توافق‌نامه مشارکت و توسعه میان افغانستان و اتحادیه اروپا توسط اکیلل حکیمی وزیر مالیه و خانم فیدریکا موگرینی، مسوول سیاست خارجی و معاون اتحادیه اروپا به امضا رسید.

این توافق‌نامه، همکاری اتحادیه اروپا را با افغانستان رسماً تعریف کرده و اساس ایجاد ارتباط متقابل و مؤثر را در زمینه‌های حاکمیت قانون، صحت، انکشاف دهات، معارف، ساینس و تکنالوژی، مبارزه با فساد، پولشویی، جلوگیری از تأمین مالی تروریسم، جنایات سازمان یافته و مواد مخدر فراهم می‌سازد.



رئیس‌جمهور افغانستان و وزیر امور خارجه ایران در دیداری در حاشیه نشست امنیتی مونیخ بر گسترش همکاری‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی میان دو کشور تأکید کردند.

دفتر رسانه‌های ریاست جمهوری دیروز یکشنبه، ۱ حوت با نشر خبرنامه‌ی گفت که محمد اشرف غنی پس از اشتراک در کنفرانس امنیتی مونیخ و ایراد سخنرانی در آنجا، امروز به کشور برگشت.

در خبرنامه آمده است که رئیس‌جمهور روز گذشته در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ با داکتر محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه ایران دیدار کرد.

در این دیدار هر دو جانب در مورد گسترش همکاری‌ها میان دو کشور در عرصه‌های امنیتی، اقتصادی، تنظیم امور مرزی، مسایل منطقی به شمول مبارزه با تروریسم، کنفرانس همکاری‌های منطقه‌ی بسته پیشنهادی حکومت افغانستان به ایران بحث و تبادل نظر کردند.

رییس مجلس نماینده‌گان: حاکمان پاکستان از تروریسم حمایت می‌کنند

تروریسم حمایت می‌کنند و سیاست آن در قبال تروریسم نیز به نفع بسیاری از کشورهای منطقه نیست. در آینده تروریسم تهدید بزرگی برای خود پاکستان خواهد بود.

آقای ابراهیمی برای اشتراک در اجلاس روسای مجلس‌های نماینده‌گان کشورهای جنوب آسیا وارد هند گردیده و گزارش شده که رییس مجلس نماینده‌گان پاکستان در این اجلاس حضور ندارد.

رییس مجلس نماینده‌گان کشور هم‌چنان از پارلمان هند و اتحادیه میان‌پارلمانی به خاطر دعوت افغانستان به این اجلاس سپاس‌گذاری کرده و خواستار همکاری در امر مبارزه با تروریسم در افغانستان شده است.

عبدالروف ابراهیمی، رییس مجلس نماینده‌گان کشور در یک مصاحبه تازه با روزنامه «تایمز آف انڈیا» گفته است که حاکمان و دولت‌مردان پاکستان از تروریسم حمایت می‌کنند. این اظهارات آقای ابراهیمی زمانی مطرح می‌شود که روابط میان افغانستان و پاکستان شدیداً پُر تنش گردیده و در ادامه این تنش‌ها ده‌ها مهاجر افغانستانی از سوی پولیس پاکستان بازداشت و دو دروازه مرزی با افغانستان نیز مسدود شده‌اند.

رییس مجلس نماینده‌گان کشور به این روزنامه هندی گفته است: "تروریسم بزرگترین و جدی‌ترین مسأله در جنوب آسیا بوده که افغانستان قربانی اصلی آن می‌باشد. حاکمان پاکستان به گونه آشکارا از



بخش نخست

۱۲ نکته برای طرح گفت‌وگوی کوتاه و سودمند

جواد حسن زاده

بر اساس مکتوبات "دبرا فاین" نویسنده کتاب "هنر مکالمات کوتاه" توانایی برقراری ارتباط با دیگران از طریق گفت‌وگوهای کوتاه می‌تواند شما را به جاهای بالایی برساند. "فاین" در گذشته یک مهندس خجالتی بوده و در سمینارها و همایش‌ها داخل دست‌شویی پنهان می‌شده تا با دیگران برخوردی نداشته باشد و مجبور نشود که با آن‌ها صحبت کند. اما در حال حاضر، او یک سخنران حرفه‌ای است و معتقد است که قابلیت برقراری ارتباط با دیگران یک امر کاملاً اکتسابی است. "فاین" و همراهانش راهکارهای زیر را برای برقراری یک مکالمه کوتاه، مختصر و مفید به ما پیشنهاد می‌کنند:

(۱) زمانی که آماده ملاقات با شخصی می‌شوید، چند مطلب مشترک را در ذهن داشته باشید تا در مورد آن‌ها صحبت کنید و همچنین چند پرسش نیز در ذهن داشته باشید تا آن‌ها را مطرح کرده و طرف مقابل را نیز به صحبت کردن وا دارید. اگر شخص مقابل را قبلاً ملاقات کرده‌اید، سعی کنید چیزهایی که از او به یادتان مانده را به میان بکشید. مثلاً علاقه مشترک‌تان به یک ورزش خاص و یا عضویت مشترک در یک مرکز خیریه.

(۲) اولین فردی باشید که می‌گوید: "سلام." اگر مطمئن نیستید که طرف مقابل شما را به درستی به‌جا می‌آورد یا نه، خودتان را معرفی کرده و اسم‌تان را بگویید تا فشار و استرس کم‌تری را متحمل شود. به عنوان مثال این‌طور عمل کنید: "آقای کاظمی؟ من محمود احمدی هستم، از دیدن شما خوش‌بختم." لیکن یادتان نرود و زمانی که فردی را ملاقات می‌کنید، حتماً با او دست بدهید.

(۳) در زمان معارفه دقت کافی داشته باشید و سعی کنید نام‌ها را به خاطر سپرده و در طول مکالمه به کرات از آن‌ها استفاده نمایید.

(۴) با بیان یک عبارت متداول کاری کنید تا طرف مقابل به صحبت کردن ادامه دهد و در نهایت هم یک پرسش کلی از او بپرسید.

(۵) با توجه به حرف‌های او و نشان دادن واکنش‌های مثبت، از طرف مقابل پشتیبانی کرده و تمام حواس خود را به وی معطوف کنید. در تمام طول گفت‌وگو ارتباط چشمی را برقرار نگه دارید و هنگامی که فرد در حال صحبت کردن با شماست، سر خود را به این طرف و آن طرف نچرخانید و قسمت‌های دیگر اتاق را نگاه نکنید.

(۶) بیشتر از آنچه حرف بزنید، گوش کنید.



بخش سوم



محمدشکیب اندیشه

بحث کوتاه‌های پیرامون گذار به دموکراسی

در سال ۱۹۷۰ مقاله‌ی تحت عنوان گذار به دموکراسی، به سوی یک الگوی دینامیک، توسط دانکوورت ای راستو، قبل از اولین گذار دموکراتیک در پرتغال انتشار یافت. شکل‌گیری منازعات تند سیاسی در میان نیروها و نخبه‌گان سیاسی داخلی، سرآغاز این مرحله است. تا زمانی که رخنه در اردوگاه ایجاد نشده و حکومت‌گران در فقدان رقیب بتوانند تداوم قدرت دهند، ظهور دموکراسی تقریباً در جامعه منتفی به نظر می‌رسد. سرآغاز این روند هنگامی خواهد بود که گروه‌های رقیب تازه‌یی وارد مبارزات سیاسی شوند و رقابت سخت و دشواری را آغاز کنند. در این مرحله، بازیگران سیاسی و یا نخبه‌گان رقیب در قدرت، آگاهانه روش دموکراتیک را برای حل منازعات خود می‌پذیرند. آنان در جریان نزاع‌های سیاسی درمی‌یابند که تلاش برای حذف همدیگر، هزینه‌های زیادی را به دنبال دارد و برای تداوم منافع مستمر بازیگران، باید بر راه‌حل‌های میانه‌یی که منافع نسبی همه‌گان را تأمین کند، به توافق برسند؛ اما این توافق قطعاً در سطح نخبه‌گان است و تا هنوز به عموم بازیگران و مردم انتقال نیافته است؛ از این رو دموکراسی تا حدود زیادی نوپا و شکننده است و تنها با تکمیل مرحله بعدی به سوی تحکیم خواهد رفت.

شیوه‌های گذار به دموکراسی

مطالعات تاریخی و تطبیقی به‌ویژه در موج اخیر گذار به دموکراسی، از سه معیار برای تنظیم یک چارچوب تطبیقی در جهت گذار به دموکراسی سخن می‌گویند. یکی از این‌ها، نیروی محرک و یا منبع حرکت در گذار ممکن است از بالا، از پایین و یا بیرون باشد. دوم، شکل و شیوه گذار و رسیدن به دموکراسی اولیه، که ممکن است مسالمت‌آمیز یعنی از طریق توافق و یا اصلاح باشد و یا غیرمسالمت‌آمیز یعنی از طریق کودتای دموکراتیک و یا انقلاب دموکراتیک. و سوم، گذار از دموکراسی حداقلی به دموکراسی حداکثری می‌باشد. ساموئیل هانتینگتون سیاست‌شناس معروف امریکایی و خالق نظریه تأثیرگذار جنگ تمدن‌ها در مورد گذار به دموکراسی بیشترین تأکیدش بر نقش نخبه‌گان در گذار به دموکراسی می‌باشد و بر نقش و تأثیر توده‌ها چندان اهمیتی قابل نیست. به نظر وی، در ۳۳ مورد گذار در موج سوم، تنها در شش مورد توده‌ها قدری نقش داشته‌اند. از نظر وی ممکن است توده‌ها مسبب انقلاب و سرنگونی رژیم مستبد شوند اما فقط نخبه‌گان‌اند که با برنامه‌ریزی و مداخله در وضعیت و اعمال روش‌ها و پیمان‌های خود، به‌جای استقرار یک رژیم خودکامه دیگر، رژیم دموکراتیک را مستقر سازند. به قول

هانتینگتون، سازش میان اجزای نخبه‌گان، قلب تپنده گذار به دموکراسی است. در کنار این مورد در ادبیات جدید گذار به دموکراسی، بر نقش و تأثیر جریان‌های دیگری غیر از نخبه‌گان سیاسی حاکم مانند گروه‌های فعال در حوزه جامعه مدنی نیز تأکید شده است.

اما در مورد دوم می‌توان گفت که شیوه‌های فروپاشی رژیم پیشین می‌تواند تأثیر جدی بر فرآیند گذار به دموکراسی داشته باشد. ممکن است فروپاشی نظام غیردموکراتیک پیشین در نتیجه انقلاب خونین و خشونت‌بار، اصلاحات دولتی، کودتای نظامی، حمله خارجی، مرگ ناگهانی دیکتاتور حاکم و غیره موارد صورت پذیرد؛ اما نکته قابل تأمل این است که این نوع فروپاشی، قوی‌تر نحوه گذار تأثیر جدی و ماندگاری خواهد داشت.

عوامل و زمینه‌های گذار به دموکراسی

بنا بر نظر شماری از نظریه‌پردازان دموکراسی، گذار به دموکراسی و متعاقباً تحکیم آن، رابطه مستقیم با صنعتی شدن و نوسازی اقتصادی دارد. لرنر باورمند است که دموکراسی، محصول نوسازی اقتصادی است و میان‌شان یک نوع رابطه علت‌معلولی وجود دارد. شهرنشینی به صورت اتوماتیک و خودکار منجر به دموکراسی می‌شود؛ چون شهرنشینی اجباراً به سواد منجر می‌گردد. زنده‌گی در شهر به داشتن سواد ارتباط دارد. سواد، تخصص و مشارکت مستقیماً رابطه با رسانه‌ها دارد. بنابراین، نوسازی با دموکراسی و سنت با عدم دموکراسی ارتباط دارد. توسعه اقتصادی، در طول زمان مبانی رژیم‌های دموکراتیک را استوار می‌دارد. رشد بسیار سریع اقتصادی و بحران‌های اقتصادی در کوتاه‌مدت ممکن است رژیم‌های اقتدارگرا را بی‌اعتبار سازد. در موج سوم همبستگی سطوح اصلی توسعه اقتصادی و بحران‌های اقتصادی کوتاه‌مدت یا شکست اقتصادی، فرمول اقتصادی بسیار مناسبی برای گذار از حکومت‌های اقتدارگرا به حکومت‌های دموکراتیک بود.

در قرن اخیر، جهان شاهد پیشرفت‌های دامنه‌داری به سمت‌وسوی دموکراسی بوده است. دموکراسی در چارچوب حداقلی خویش، امروزه مطلوب کثیری از جوامع اعم از مذهبی و غیرمذهبی در سطح جهان بوده است. یعنی دموکراسی به همان معنا و مفهوم گسترش مشارکت و رقابت ایدئولوژیک در عرصه سیاسی می‌باشد. این مفهوم مشارکت و رقابت دربرگیرنده مفاهیم بنیادین و فلسفه اندیشه دموکراسی هستند و مواردی چون آزادی بیان، آزادی اجتماع، شهروندی، اصالت فرد، حاکمیت مردم و غیره را در بر می‌گیرد. اما از این

نکته اساسی نباید غافل بود و یادآوری‌اش ضروری می‌نماید که جوهره اصلی و ذاتی دموکراسی، همان رقابت ایدئولوژیک می‌باشد. مشارکت می‌تواند در سطح گسترده‌تر و عمومی‌تری صورت گیرد و تمام مردم بدون استثنا در آن حضور داشته باشند، اما همان عنصر اصلی دموکراسی که منظور اصلی آن نیز می‌باشد، رقابت ایدئولوژیک است. به همین دلیل، جاذبه دموکراسی توأم با مشروعیت مستقیماً برخاسته از همان جوهره رقابت در آن می‌باشد. امروزه الگوی حکومت‌داری دموکراتیک توانسته است از جاذبه و مشروعیت جهانی در برابر سایر ایدئولوژی‌های تجربه‌شده برخوردار باشد. همچنان دموکراسی امروزه در معنای فراگیر آن در مقیاس جهانی، فاقد رقیب قابل ملاحظه و پر قدرتی می‌باشد که در برابرش ابراز وجود کند. ایدئولوژی‌های دیگر در مقابل آن رنگ باخته و نتوانسته‌اند با سرشت گفتمان حقوق‌محور جهان امروز سر سازگاری ایجاد کنند. موجی بزرگ و فراگیر از جنبش‌های اخلاقی و حقوقی در سطح جهانی، به دموکراسی به دلیل توجه به حقوق اساسی بشر، بیشترین تمایل و تأکید را دارند. در کنار این‌ها، بنابر متکای اصلی دموکراسی که همان لیبرالیسم و حقوق بشر است، می‌تواند در برابر سایر ایدئولوژی‌ها از مشروعیت‌های سیاسی و اخلاقی و عقلانی نیز برخوردار باشد. می‌توان اذعان نمود که قطعاً در پرتو دموکراسی است که حقوق و آزادی‌های اساسی و سیاسی قابل تحقق می‌گردد.

زوال مشروعیت رژیم‌های غیردموکراتیک و گذار به دموکراسی

مباحث اساسی در مورد گذار به دموکراسی، برمی‌گردد به چند مرحله‌یی بودن فرآیند گذار؛ نخست زوال حاکمیت‌های مطلق‌انگازانه غیردموکراتیک، دوم گذار به دموکراسی در جامعه، و سوم تحکیم و استقرار دموکراسی در آن. موضوع و سوال اصلی، مهم و قابل بحث این است که در کدام زمینه‌ها و شرایط زوال و فروپاشی رژیم غیردموکراتیک منجر به گذار به دموکراسی می‌شود؟ تجربه تغییر و تحول در جوامع معاصر نشان داده است که هر فروپاشی و تحول قدرت در نظام غیردموکراتیک، همواره به نفع دموکراسی رقم نخورده و منجر به گذار به دموکراسی نشده است؛ بلکه دیکتاتوری جدید به شکل و شیوه خشن‌تر حاکم شده است. بنابراین، بررسی زمینه‌ها و عوامل فروپاشی رژیم‌های غیردموکراتیک و رسیدن به دموکراسی با ذکر برخی از شاخص‌های آن ضروری به نظر می‌رسد.

دانتیه

روایتی از پیش آئور باخ

نویسنده: مایکل دیردا

برگردان: علی لاله جینی

بخش دوم



برای آئورباخ مسیح نقطه عطفی در تاریخ هنری و مذهبی است. در حالی که کمال مطلوب «اتاراکسیا» امن عیش (حالت آرامش خیال) فلسفی دوران باستان؛ بی تفاوتی بردبارانه در مقابل فرساز و نشیب‌های زنده‌گی را توصیه می‌کند، مسیحیت از یک یک ما می‌خواهد تا عمیقاً با این جهان درگیر شویم. او دقیقاً مثل پسر خدا خود را به سرنوشتی این جهانی محکوم کرده بود و مشتاق بود به رنجی مخلوق‌گونه گردن گذارد، از این‌رو زنده‌گی شخصی ما، کلنجار رفتن شخصی ما با شیطان، حالا به «شالوده حکم خداوندی» تبدیل شده است. آگاهی ما به گناه توجه به خودهای یگانه‌مان، شرارت‌ها و فضیلت‌های مان را بیش‌تر می‌کند. در نتیجه، جهان مسیحیت سرشار از روح‌های متمایز است؛ که هر یک یا راه به‌سوی خدا پیدا می‌کند یا گمراه می‌شود. این انقلاب دلیلی است بر گوناگونی شخصیت‌ها و خصوصیت‌های برجسته‌یی که در «کمدیا» نشان داده می‌شود.

آئورباخ، به دنبال این پس‌زمینه تاریخی، در گام بعد به تأثیر شعر پروونسال، سبک شیرین نو، بر درک دانتیه از عشق می‌پردازد. با وجود این، در حالی که تروبادورها (شاعران دوره‌گرد) و طرفداران‌شان در مدح خانم‌های باریک‌اندام آواز می‌خوانند، دانتیه بر واقعیت محض بنا تریس تأکید می‌کند. بنا تریس تمثیلی ناروشن و مغلق نیست. در طول این شبه‌خاطره زنده‌گی *Vita Nuova*، نظم (همانند نثر) ساده، دقیق و روشن است، و با حرارتی پرشور تجربه بنا تریس و معنای آن را نشان می‌دهد. آئورباخ می‌گوید از نظر دانتیه هر کدام از شعرهای اولیه «یک روی داد معتبر است، که به شکلی بی‌واسطه با دنیانگری بی‌مانند، محتمل و زودگذر عرضه می‌شود.» به علاوه، «شعر از تجربه شخصی می‌گذرد و تا حد تجربه جهانی گسترش می‌یابد... تا به جلوه نامتغیر واقعیت با ویژه‌گی فراگیر و زمینی بدل شود و در آینه نگاهی لایزال ماندگار بماند.»

تا حالا این باید روشن شده باشد که آئورباخ، علی‌رغم نثر ژرمنی انتزاعی و تخصصی تحکم‌آمیزش، پرشور، صریح و بی‌واسطه می‌نویسد. هر از گاهی ترس آمیخته با احترام خویش در مقابل زیبایی تصویرپردازی دانتیه، تنوع شخصیت‌ها، قدرت فهم و نبوغ هنری‌یی را که قادر است به دوزخ، برزخ و بهشت انسجام بخشد، برملا می‌کند. آئورباخ، تنها پس از اثبات نبوغ ویژه شاعر، بقیه

کتابش - نزدیک به دو سوم بخش پایانی - را به خود کمدیا اختصاص می‌دهد؛ ابتدا بر موضوع، سپس بر ساختار و سرانجام بر صحنه‌ها و تصویرها متمرکز می‌شود. آئورباخ یادآوری می‌کند که دانتیه شعر را زمانی شروع کرد که فلورانس را ترک کرد و موقعیتش نزد حکومت آن‌جا تا حد یک زنده‌گی فقیرانه تنزل یافت. به نظر آئورباخ دانتیه با نوشتن کمدیا امکان آن را یافت تا «با در نظر گرفتن روی‌دادهای تاریخی، فایده آمدن بر آن‌ها و سامان دادن آن‌ها در ذهنش ناهم‌آهنگی سرنوشت را تصحیح و بر آن غلبه کند.» هر چند که ساختار شعر و توانمندی شخصیت‌های نمایش - شخصیت به مثابه چکیده حیات انسانی - بازتاب تأثیر توماس آکیناس است. آکیناس سخت عقیده داشت که فردیت و گوناگونی از زاویه یزدان‌شناسی ضروری هستند. از آن‌جا که جهان بر مبنای تصویر ذهنی خدا آفریده شده است، هیچ یک از مخلوقات خدا شکل خدا نیست. به مجموعه گونه‌ها نیاز است. آئورباخ می‌نویسد در روان‌شناسی آکیناس هر روحی از یک ویژه‌گی برخوردار است و به تدریج شکل جسمانی کسب کرده است:

«سرشت پایداری که جوهر آدمی را پربار و تعدیل می‌کند؛ و این باقی‌مانده روح آدمی از تاریخ روح است؛ چرا که هر کنش و تلاش اراده در راستای نیل به مقصود، ردی از خود بر جای می‌گذارد، و تعدیل روح از طریق کنش‌هایش به شکل جسمانی می‌انجامد. در روان‌شناسی پیرو آکیناس گوناگونی شکل جسمانی دلیلی است بر گوناگونی منش‌های آدمی. این شکل جسمانی است که تعیین می‌کند که انسان تجربی چه‌گونه گوهر خویش را متحقق خواهد کرد. شکل جسمانی است که بر مناسبات بین روح و کنش‌هایش پرتو می‌افکند.»

اما «شکل جسمانی» خود را تنها در طول زمان آشکار می‌کند. در نتیجه، صرف نظر از مرتبت زمینی آدمی، هراسانی باید الزاماً قهرمانی دراماتیک باشد. بدین ترتیب دانتیه زایر جهان پس از حیات، با سیاهی‌های گوناگون رو در رو می‌شود که هر یک خویش را «با ژست و نگرشی معرفی می‌کند که کلیت شکل جسمانی او را به تمامی خلاصه می‌کند و با وضوح به نمایش می‌گذارد.» اگرچه حکم این روح‌ها پیشاپیش صادر و مکان‌شان تعیین شده (به جز کسانی که از کوه برزخ بالا رفته‌اند)، اما آن‌ها «از منش زمینی‌شان محروم نیستند. حتی از منش تاریخی زمینی آن‌ها کاسته نمی‌شود، بل که حفظ می‌شود و با سرنوشت نهایی آن‌ها هم‌سان.» آئورباخ ادامه می‌دهد: «موقعیت و طرز تلقی روح‌ها در جهان دیگر از هر نظر فردی است و در راستای اعمال و رنج آن‌ها بر روی زمین.» کوتاه سخن، «موقعیت این ارواح در آخرت تنها استمرار، تشدید و تثبیت قطعی موقعیت آن‌ها بر روی زمین است»، و حتی «آن‌چه در منش و سرنوشت آن‌ها ویژه و شخصی است، به‌طور کامل حفظ می‌شود.»

برای نمونه، مواجهه دانتیه را با فارینا تا دلی اوبرتی،

رهبر جناح گیله‌لینه در فلورانس و یا کوالکانتیه کوالکانتی عضو ثروتمند جناح رقیب در نظر بگیرید؛ هر دو به خاطر گناه کفر و الحاد آخرت خویش را با سینه‌های گر گرفته سپری می‌کنند. آئورباخ در تقلیدگری به‌دقت این قطعه را تجزیه و تحلیل می‌کند. فارینا تا با نخوت و تحقیر برای اطرافیان دوزخی خویش سخن می‌گوید و تنها به کشف چیزی علاقه‌مند است که در فلورانس در شرف وقوع است؛ و کوالکانتی با ملامت نشان می‌دهد که چه قدر دل‌تنگ لطف نور و مصاحبت پسرش، گوئیدو کوالکانتی شاعر بلندآوازه، است. گرچه هر دوی این روح‌ها از عذاب‌های مشابه رنج می‌برند، ولی هر دو منحصر به فرد هستند، درست مثل هویت یک زمین‌شان. اعتبار نمادین احتمالی آن‌ها، هرگز جای‌گزین خصوصیت فردی آن‌ها نمی‌شود. آئورباخ، در فصلی درباره ساختار شعر دانتیه، سه نظام زیربنایی را از هم تمیز می‌دهد. دیدگاه تالمی، اخترشناس یونانی مبتنی بر مرکزینی کره زمین در عالم، نظم کلی جهان زیرین دانتیه را توجیه می‌کند، کوه برزخ و قلمروهای آسمانی بهشت. با وجود این، نظام طبقه‌بندی شده اخلاقی حاکم بر سه قلمرو به‌طور طبیعی متفاوت است: بنیاد دوزخ مبتنی بر کنش‌های نابخشودنی و کیفرهای مناسب است، در حالی که برزخ برحسب نیاز به نابودی و تقاضا، بر مبنای کنش‌های شیطانی متفاوت سازمان یافته است. در بهشت ارواح «برحسب خصلت نیک و معقول، عشق حقانی و سنجیده سامان یافته‌اند.» آئورباخ به‌دقت به این موضوع می‌پردازد که «دانتیه هرچه بالاتر می‌رود، ارواحی که پدیدار می‌شوند، همه‌گانی‌تر و غیرشخصی‌تر می‌شوند» (که تا اندازه‌ی به‌خاطر شخصیت و فردیت چشم‌گیر دوزخیان است). در بهشت، حالت اصلی موجود رستگار شده قرار است با «درخشش بیش‌تر یا کم‌تر بدرخشند.» با وجود این آئورباخ به صورت هدف‌مندی اشاره می‌کند که «کلام آن‌ها حالت‌های آن‌ها را در بر می‌گیرد و حافظ منش انسان زمینی‌یی است که در آن‌ها زیسته و هنوز می‌زید.» دومینیک سن توماس، در یک ابراز عشق فوق بشری گویا و استثنایی که در قلمرو ملکوت جاری است (به‌ویژه، در به اصطلاح بهشت خورشید، آن‌جا که پدران کلیسا به معنای واقعی کلمه به خاطر خوش‌حالی می‌رقصند)، در تحسین سن فرانسیس آواز سر می‌دهد، در حالی که فرانسیسکن سن بونوره از دومینیک با تحسین سخن می‌گوید.

دانتیه، به موازات این نظام‌های جسمانی و اخلاقی، نظام سیاسی - تاریخی‌یی را به‌کار می‌گیرد که مبتنی بر این تصور است که سرزمین رُم و امپراتوری رُم ماموریت زمینی ویژه‌یی دارند. این ماموریت قرار

است کم‌وبیش، آینه این جهانی نظم الهی باشد. درینجا که امپراتوری رُم فروپاشیده است؛ در همان زمان که رُم مبتنی بر منصب پاپی به فساد کشیده شده و رشوه‌خواری پیشه کرده و به جای قدرت معنوی، حریصانه به دنبال قدرت این جهانی بوده است. دور شدن این دو نهاد از مقصود و مراد خدا بیان‌گر اشاره‌های دردآور و گاه و بی‌گاه دانتیه درباره کلیسای معاصر است. دانتیه پاپ بونیفاجه هشتم را روانه دوزخ می‌کند؛ در زمانی که هنوز این مرد زنده است. در یک مورد، او دوران زمام‌داری پاپ را به یک «قبحه ول» تشبیه می‌کند. با وجود این مایوسانه به اصلاح کلیسا امیدوار است، از این‌رو علاقه و سواس‌گونه‌یی به سیاست ایتالیایی دارد و در رویای یک رُم سکولار نوین است. همانندی نمادین جاوید شهر با اجر جاودانه بهشت، هم‌چنین بیان‌گر این است که، چرا کاتوی (جنرال و سیاست‌مدار رومی) جوان‌تر، به عوض قدیمی مهم، نگاهبان دروازه برزخ است. او کاتوی تاریخی است. آری، ولی او در طول زنده‌گی‌اش از رُم مراقبت کرد؛ پس در این‌جا می‌شود مقام او را در جهان آخرت، به عنوان نگاهبان و مراقب، به خوبی درک کرد.

آئورباخ در فصل‌های پایانی کتابش در مورد بعضی صحنه‌ها و شخصیت‌های شعر بحث می‌کند، و بار دیگر تأکید می‌کند که: «در اصل مجموعه‌یی طولانی از خودنگاره‌ها است، مجموعه‌یی روشن و کامل درباره آن مردان، مردانی که پیش‌تر از این‌ها مرده‌اند، مردانی که تحت شرایط متفاوتی زیستند یا شاید هرگز نزیستند، ما چیزی می‌دانیم که اغلب از ما و از ذهن ما پنهان می‌ماند، چیزی درباره خودمان و یا آن‌هایی که ما روزانه با آن‌ها در تماسیم؛ یعنی معنای ساده‌یی که بر کل هستی آن‌ها حاکم است و بدان نظم می‌بخشد.»



واکنش وزارت تجارت و صنایع به مسدودماندن تورخم و سپین بولدک:

دیگر متکی به پاکستان نیستیم



ابوبکر صدیق

سخنگوی وزارت تجارت خاطر نشان کرد که در دو سال گذشته راه‌های بدیل ترانزیتی مانند بندر چابهار، راه تجارتي لاچورد، راه تجارتي ازبکستان - افغانستان و عضویت افغانستان در سازمان تجارتي جهاني، متکی بودن افغانستان را از این کشور نجات داده است.

او گفت که راهبرد وزارت تجارت داشتن روابطه حسنه تجاری با تمام کشورهای منطقه و جهان است که باعث بهبود اقتصاد در آن کشورها نیز می‌شود.

آقای قوقندی بیان کرد که تولیدات داخلی نیز باعث شده تا وابسته‌گی افغانستان از پاکستان کاهش یابد.

او افزود: در حال حاضر بیلاس و واردات و صادرات افغانستان به پاکستان نزدیک به یک و نیم میلیارد دلار می‌رسد که ۹ صد میلیون واردات و بیشتر از ۶ صد میلیون دلار صادرات است. وزارت تجارت تلاش می‌کند تا بیلاس و واردات و صادرات با کشور پاکستان را یک برابر سازد.

هم‌چنان، احمد فرهاد مجیدی عضو کمیسیون اقتصاد ملی مجلس نماینده‌گان، با اشاره به مسدود ماندن گذرگاه تورخم و سپین بولدک از طرف نظامیان پاکستان می‌گوید: قطع روابط اقتصادی و اختلاف‌های سیاسی بارزگانان هر دو کشور را متضرر می‌سازد.

وزارت تجارت و صنایع در پیوند به مسدود ماندن گذرگاه تورخم و سپین بولدک می‌گوید که روابط اقتصادی افغانستان با کشورهای منطقه سبب شده است که دیگر متکی به پاکستان نباشد.

مسئولان این وزارت، مسدودماندن این دو گذرگاه را بیشتر به ضرر تجار پاکستانی می‌دانند.

مسافر قوقندی، سخنگوی وزارت تجارت و صنایع افغانستان در مصاحبه با روزنامه ماندگار می‌گوید: وزارت تجارت و صنایع افغانستان در دو سال گذشته تلاش کرده تا افغانستان را از وابسته‌گی به یک مسیر مشخص تجارتي نجات دهد.

آقای قوقندی با بیان این‌که در حال حاضر افغانستان تنها به پاکستان متکی نبوده و مسیرهای تازه تجارتي با کشورهای منطقه ایجاد کرده است، افزود: مسدودشدن گذرگاه تورخم و سپین بولدک از طرف پاکستان، دیگر تأثیر چندانی بر تجار افغانستان ندارد. چنانچه در سال‌های گذشته مسدودماندن راه‌ها به تجار ضربه وارد می‌کرد. به گفته او، تجارت به اساس عرضه و تقاضا صورت می‌گیرد، وقتی که تقاضا وجود داشته باشد، تجار ملی از راه‌های بدیل برای فراهم کردن تقاضای مردم تلاش می‌کنند که این سهولت را دولت افغانستان از مسیرهای مختلف با کشورهای منطقه برای تجار ملی ایجاد کرده است.

رییس اجرایی به وزارت فواید عامه: به باز کردن راه‌های مواصلاتی تمرکز کنید



دکتر عبدالله عبدالله، رییس اجرایی حکومت وحدت ملی در نشستی با محمود بلیغ، وزیر فواید عامه، مشکلات سرک حلقوی بادغیس-هرات، سرک حلقوی کابل و مسدودشدن راه‌های مواصلاتی برخی مناطق را به دلیل برف‌باری‌های اخیر مورد بررسی قرار داد.

رییس اجرایی هم‌چنان به وزیر فواید عامه دستور داد تا برای آغاز کار سرک‌های حلقوی بادغیس-هرات و کابل اقدام کنند.

از سویی هم، محمود بلیغ گفت که کار سرک حلقوی بادغیس-هرات پنج سال قبل آغاز شده بود؛ اما به دلیل عدم تعهد شرکت ترکی، قرارداد فسخ گردید و پروژه به شرکت دیگری سپرده شد.

به گفته آقای بلیغ، درباره ادامه کار این پروژه به زودی یک جلسه مشترک میان وزارت فواید عامه، شرکت قرارداد کننده و کشور تمویل‌کننده برگزار می‌شود، تا بخش عمده این سرک، در سال ۹۶ قیرویزی شود.

آقای بلیغ درباره سرک حلقوی کابل نیز گفت: برای ساختن این سرک، بانک انکشاف آسیایی مبلغ ۷۴ میلیون دالر کمک کرده است و در سال آینده کار آن آغاز می‌گردد.

او در ادامه افزود: هشتاد درصد تصفیه‌سازی این جاده تکمیل شده است.

وزیر فواید عامه در پیوند به مسدودشدن راه‌های مواصلاتی و شاهراه‌های کشور اظهار داشت: کارمندان این وزارت با استفاده از تمام امکانات موجود تلاش دارند تا فردا تمام راه‌های مواصلاتی را باز کنند.

آقای عبدالله به وزیر فواید عامه وظیفه سپرد تا در حال حاضر برای بازکردن راه‌های مواصلاتی و جلوگیری از حوادث احتمالی به ویژه در شاهراه‌های سالنگ و کابل-هرات تمرکز کنند.

رییس اجرایی تأکید کرد: وزارت فواید عامه در سال آینده برای بازسازی و ترمیم راه‌های تخریب شده نیز اقدام کند.

آقای مجیدی افزود: افغانستان تنها ۱۵ درصد صادرات به پاکستان دارد، در حالی واردات ما به مراتب بیشتر نسبت به صادرات است؛ بنا با مسدود شدن گذرگاه‌های تجارتي افغانستان-پاکستان، ضرر بیشتر متوجه پاکستان می‌شود. به گفته او، پس از بحرانی شدن اوضاع در منطقه و حساس شدن امریکا در برابر پاکستان به خاطر تمویل تروریسم، پاکستانی‌ها در تلاش پیدا کردن راه‌حل به این معضل هستند.

این عضو کمیسیون اقتصادی مجلس نماینده‌گان بیان کرد که پاکستانی‌ها می‌خواهند که با اندکی ضرر اقتصادی که از طریق مسدود کردن گذرگاه‌های تجارتي متوجه‌شان می‌شود، بتوانند منافع بیشتر سیاسی را به دست بیاورند.

آقای مجیدی با بیان این‌که دولت افغانستان و سکتور اقتصادی کشور تا هنوز در عرصه سیاست اقتصادی کشور موفق عمل نکرده‌اند، افزود: اما، سکتور خصوصی کشور با مشکلات و چالش‌های زیادی نگاهداشته است تا چرخه اقتصادی کشور متوقف شود.

او گفت که با ایجاد راه‌های تجارتي با کشورهای منطقه افغانستان از متکی بودن به پاکستان نجات یافته است؛ اما با آن‌هم افغانستان نسبت محاط بودن به خشکه نیاز به گذرگاه‌های پاکستان دارد و پاکستان مسیر استراتژیک برای افغانستان است و باید این مشکل از راه‌های دیپلوماسی حل گردد. او بیان داشت که در حال حاضر بیشتر کالاهای تولیدی پاکستان به افغانستان وارد می‌شود که با مسدودشدن گذرگاه‌های تجارتي افغانستان - پاکستان بیشتر ضرر متوجه تجاری ملی پاکستان می‌شود.

مسئولان اتاق‌های تجارتي و صنایع کشور نیز مسدود شدن گذرگاه تورخم و سپین بولدک را بیشتر به ضرر تجار پاکستانی می‌دانند.

گذرگاه تورخم و سپین بولدک میان افغانستان-پاکستان، روز پنجشنبه پس از انفجار در زیارت لال شبهاز قلندر در ایالت سند پاکستان که در آن بیش از ۷۶ تن کشته شدند، از طرف نظامیان پاکستان به روی عابران مسدود شد.

پاکستان مدعی است که تروریست‌ها از خاک افغانستان مردم این کشور را آماج قرار داده است، چیزی که دولت افغانستان به شدت آن را رد می‌کند.

غنی موشن کنفرانس کی د افغانستان دریخ روپانه کر



اتیاوو څخه ډېرو د دفاع او بهرنیو چارو وزیرانو گډون کړی و. له دې سره د ارگ څخه خبره شوې خبرپاڼه وایي چې جمهور رئیس غني د دې کنفرانس په څنډه کې د شاوخوا شلو هېوادونو له استازو سره په جلا ډول د دوه اړخیزو اړیکو د پراختیا په اړه خبرې کړي.

تلیپې د ثبات لپاره هڅې کړې دي، نړۍ باید لا پاملرنه ډېره کړي او د سیمې وضعیت هسې چې اړتیا ده تحلیل کړي. د موشن ۵۳ امنیتي کنفرانس چې د جمعې په ورځ په جرمني کې جوړ شوی و په کې د افغان ولسمشر غني تر څنګ د ډېرشو څخه د ډېرو هېوادونو مشرانو او له

د ودې د مخنیوي لپاره حتمي ده هغه هېوادونه چې ترورېزم یې د دولتي سیاست اهدافو ته د رسېدو وسیله ګرځولې تجرید شي.

که څه هم ښاغلي غني د کوم هېواد نوم وانه‌خیست خو په افغانستان کې د روانې جګړې په اړه یې وویل چې دا د دوه دولتونو تر منځ نا اعلان شوې جګړه ده. له دې وړاندې ښاغلي غني د اسیا زره کنفرانس کې چې په هندوستان کې جوړ شوی و د ورته موضوع په اړه پر پاکستان مخامخ انتقاد کړی و.

ښاغلي غني د لیندۍ په میاشت کې جوړ شوي دې کنفرانس ته وویل د پاکستان سره د پراخو دوه اړخیزو تماسونو سره سره هغه نا اعلان شوې جګړه چې دغه هېواد پیل کړې نه یوازې چې سره شوې نه ده بلکې لا تېزه شوې ده.

د چارو څېړونکی یوسف امین ځاځی هم وایي چې افغان پلاوي په دې سفر کې نړیوالو ته په واضحو ټکو د پاکستان د سیاست په اړه معلومات ورکړي چې د هغه په وینا تل یې د افغانستان د ناکامه کېدو پلانونه تنظیم کړي دي.

له دې سره ښاغلی ځاځی وایي چې د افغانستان د اندېښنو له اوردو وروسته نړیوالې ټولنې ته ښایي چې د روانې جګړې په اړه خپل تحلیل هم بدل کړي. نوموړي زیاته کړه:

"د افغانانو پیغام، غږ او ستونزه باید اوورېدل شي چې

د افغانستان د ولسي جرګې اداري پلاوي جرمني ته د جمهور رئیس غني سفر بریالی گڼي او وایي، نړیوالو ته د افغانانو دریخ ښه روپانه شوی دی.

د موشن له امنیتي کنفرانس څخه د افغان پلاوي له راستنېدو سره سم د افغانستان د ولسي جرګې اداري پلاوي په دغه کنفرانس کې د جمهور رئیس غني وینا د پام وړ بولي.

د ولسي جرګې دوهم منشي عرفان‌الله عرفان د یکشنبې په ورځ وویل، له دې امله چې جمهور رئیس غني د امنیتي ستونزو په اړه نړیوالو ته مهم پیغامونه رسولې دوی دا سفر مهم گڼي.

هغه وایي، د افغانستان د جګړې څخه ځانگړې تعریف او دا چې د ترورېزم خالي چېرته او په وړاندې یې څنګه مبارزه وشي د افغانانو مهمې اندېښنې دي او ولسمشر په موشن کنفرانس کې دا هر څه روپانه کړل.

نوموړي زیاته کړه: "زموږ په اند دا سفر ځکه مثبت و چې جمهور رئیس غني د ملت او دولت پیغام تر یوه حده تر نړیوالې ټولنې ورساوه او هغه دا چې موږ باید د ترورېزم پر وړاندې په مشترکه توګه مبارزه وکړو تر څو هغه هېوادونه وپېژندل شي چې ترهګر روزي او ملاتړ یې کوي او بیا یې په وړاندې کلک ودرېږو." جمهور رئیس غني تېره ورځ د موشن په امنیتي کنفرانس کې وویل چې د مؤثرې مبارزې او د ترورېزم

فیسبوک نامه

روح الله یوسفزاده



اختلاف و افتراق میان شیعه و سنی، از نحوه اذان گفتن در گوش نوزاد شروع می شود و تا شیوه کفن و دفن میست ادامه می یابد. پناه می برم به خدا از ملای مسجد دیوار به دیوارمان که در کله سحر با استفاده از هر دو نیم کره مغزش به صرافت افتاده بود تا با صدای مهیب درباره مورد اختلافی شستن یا مسح پا در وضو سخنرانی کند.

او به زعم خویش، با دلایل قوی و معنوی و از روی کتاب و سنت، اهل تسنن را به خاطر شستن پاهای شان در وضو، تمجید و اهل تشیع را به خاطر مسح پا مذمت کرد و گاهی هم که احساساتی شد، شیعیان را «رافضی» و «ظالم»هایی خواند که اعمال و عبادات شان مورد قبول پروردگار قرار نمی گیرد.

شنیدن این حرفها آن هم در غرب کابل که محل سکونت بی شمار شیعه است، چنان ذهنم را مشوش ساخت که از صبح علی الطلوع تا همین یک ساعت پیش [هنگام نوشتن این یادداشت]، فقط زیر لحاف از این پهلو به آن پهلو شدم و یک چشم هم خواب نرفتم.

وقتی این ملای شیردل در کابل که جمعیتی بزرگ از شیعیان افغانستان را در خود جای داده، چنین افاضه می کند، مسلم است سایر همگانانش در هلمند و زابل می توانند شمشیر برکشند و فتوای جهاد با غیر خود را صادر کنند.

گویبی همه هم و غم این جماعت سبک مغز اما پرمدها این است که با افکار گنبدی شان جوی خون در کوچه و خیابان به راه اندازند و مردم را به عزا بنشانند و روان رنجورشان را ارضا کنند.

حق دارند اینها «منصور» را تکفیر کنند، چون آنچه را او «فکر تروریستی» می خواند، از نظر این عده عین «دیانت» است؛ همان دیانتی که به آنها اجازه می دهد در بوق سحر، در همسایگی شیعیان به آنها فحش دهند و برای هلاکت یهود و نصارا و کفار و مشرکین و روافض و منافقین و به عبارتی، برای هلاکت تمام بشریت دعا کنند.

حالا باز هم بیایند و بگویند منصور دروغ می گوید، منبر مساجد و مضمون ثقافت اسلامی ما، یکسر مبلغ رأفت اسلامی و رحمت محمدی است و هرکس غیر از این ادعا کند، مرتد و مزدور و لایق سنگ گور است!

حسیب معترف



در یکونیم دهه گذشته در افغانستان، نه تنها «گفتمان سیاسی» دستخوش تغییر نشد، بلکه در چهرهها هم شاهد تغییر نمی باشیم. نقش آفرینان فعلی عرصه سیاست کشور، همانهایی هستند که حداقل در سه دهه اخیر نقش داشتند. ما شاهد ظهور نسل جدیدی از رهبران سیاسی نیستیم. نه احزاب سیاسی جهادی و نه هم آنهایی که از غرب برگشته اند، هیچ یک در برنامه و پلات فورم خود موضوع انتقال زعامت سیاسی به نسل جدید را ندارند. عرصه سیاسی کشور اکنون در دست نسلی از مسن ترین افراد قرار دارد. حضور نسل جدید در این میان، بسیار اندک و سمبولیک است. رهبران سیاسی این حقیقت را باید بپذیرند که آنها به آخر خط نزدیک شده اند. موضوع انتقال قدرت به رهبران جدید، یک ضرورت حیاتی و یک امر اجتنابناپذیر است که زمینه ابقا و تداوم جریانهای سیاسی را فراهم می سازد. احزاب و جریانهای سیاسی که همچنان می خواهند به حیات سیاسی شان ادامه دهند، راهی ندارند جز این که حضور نسل جدید در عرصه سیاسی را تشویق، ترغیب و زمینه سازی کنند. آنها باید در رویکرد و دیدگاههای شان تغییرات اساسی وارد کنند و با تمثیل و تطبیق دموکراسی درون ساختاری، میکانیسمهایی واضح و مستمر را برای بالا آمدن و چهره شدن رهبران جوان از بطن این ساختار، روی دست بگیرند. احزاب و جریانهای سیاسی که نسل جدید را نادیده می گیرند و ظهور رهبران جدید را انکار می کنند، محکوم به شکست و فنا هستند.

هشدار بیل گیتس از "بیو تروریسم"

بیل گیتس، بنیان گذار شرکت مایکروسافت در سخنرانی در کنفرانس امنیتی مونیخ نسبت به خطر استفاده از دانش مهندسی ژنتیک به عنوان یک سلاح تروریستی هشدار داد.

بیل گیتس، در این سخنرانی خود در کنفرانس امنیتی شهر مونیخ آلمان نسبت به خطر کشته شدن دهها میلیون نفر از انسانها توسط بیو تروریسم هشدار داد. بیل گیتس که در طول ۲۰ سال گذشته به تأمین یک کمپین جهانی بهداشت و سلامت به همراه همسرش پرداخته، اظهار داشت: ما ارتباط میان امنیت و سلامت و امنیت بین الملل را نادیده می گیریم که این برای ما خطرناک است. او اظهار داشت: ممکن است دفعه بعدی گسترش یک بیماری واگیردار ناشی از صفحه کامپیوتر یک تروریست باشد که می خواهد از دانش مهندسی ژنتیک برای تولید یک نسخه مصنوعی از ویروس ابله یا یک نسخه بسیار واگیردار و مرگبار از ویروس آنفولانزا استفاده کند.

این در حالی است که آژانسهای اطلاعاتی آمریکا و انگلیس اعلام کردند که گروه تروریستی داعش تلاش می کند تا در پایگاههایش در سوریه و عراق سلاحهای بیولوژیک تولید کند با این حال، این آژانسها تهدید مربوط به این مسأله کم دانستند، زیرا تروریستها برای این کار نیاز به افراد دانشمند، لابراتوارهای خوب و محیطی آرام به دور از آشوب و سردرگمی منطقه جنگی دارند.

بیل گیتس که نخستین حضورش در کنفرانس امنیتی مونیخ را در روز شنبه تجربه کرد، تأکید کرد: چه علت این مسأله تغییر ناگهانی طبیعت و اقدامات یک تروریست باشد، اما اپیدمیولوژیستها می گویند، یک پاتوژن سرگردان در هوا که سرعت زیاد داشته باشد می تواند در کمتر از یکسال بیش از ۳۰ میلیون نفر را بکشد و آنان همچنین می گویند، احتمال بالایی وجود دارد که جهان در طی ۱۰ تا ۱۵ سال آینده یک چنین شیوع بیماری را تجربه کند. او افزود: شاید درک یک فاجعه در این ابعاد دشوار باشد، اما این اتفاق در سالهای نه چندان دوری افتاد. در سال ۱۹۱۸ یک نسخه بسیار بدخیم از ویروس آنفولانزا بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون نفر را در دنیا کشت.

بیل گیتس ادامه داد: ممکن است فکر کنید که این سناریوهای روز قیامتی چقدر واقعی هستند، اما این حقیقت که در تاریخ معاصر جهان یک شیوع بیماری مرگبار را تجربه نکرده نباید به اشتباه ما را قانع کند که در آینده نیز یک چنین اتفاقی نخواهد افتاد حتا اگر که شیوع بعدی بیماری در ابعاد آنفولانزای سال ۱۹۱۸ نباشد، اما عاقلانه این است که ما تبعات مربوط به آشوب اقتصادی و اجتماعی به وجود آمده در صورتی که ویروسی مثل ابولا راهش را به مراکز شهرنشینی باز کند، در نظر بگیریم.

بیل گیتس خاطر نشان کرد: پیشرفتها در بیو تکنولوژی، واکنشهای جدید و داروها می تواند جلوی از کنترل خارج شدن بیماریهای واگیردار را بگیرد. بیل گیتس گفت: آماده شدن در مقابل یک بیماری واگیردار جهانی همانقدر مهم است که بازدارنده گی هسته ای و جلوگیری از یک فاجعه آب و هوایی مهم است. نوآوری، همکاری و برنامه ریزی دقیق می تواند تا حد چشم گیری خطرات ناشی از هر یک از این تهدیدات را کاهش دهد. او تصریح کرد: جامعه بین المللی باید همانطور که نظامیان را برای یک جنگ آماده می کنند خود را نیز برای شیوع بیماریهای واگیردار آماده کنند.

هشدار فرانسه به آمریکا نسبت به تضعیف اروپا

وزیر امور خارجه فرانسه گفت که هرگونه تلاش ایالات متحده برای ایجاد اختلاف میان اروپاییها محکوم به شکست است. ژان مارک آیرو، وزیر امور خارجه فرانسه در گفت و گو با روزنامه ژورنال دو دیماننش درباره عدم اتحاد اروپاییها در مقابل دیدگاههای جهانی دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا گفت، شرایط در حال تغییر است و عمده دلیل آن "حملات مکرر" رئیس جمهوری آمریکا به اروپاست.

آیرو گفت: شرط می بندم که هرگونه تلاش برای اختلاف پراکنی و حکومت بر اروپاییها کارایی نداشته باشد. درباره ایالات متحده آمریکا هم باید گفت که آنها قطعاً چنین ظرفیتی ندارند که مزایایی که اتحادیه اروپا به اعضایش پیشنهاد می دهد، جبران کنند.

او همچنین گفت، فرانسه هیچگونه مداخله خارجی را درباره انتخابات ریاست جمهوری ماه ابریل و می نمی پذیرد؛ چه از جانب روسها و چه امریکاییها.

آیرو گفت: "برخی رویکردها و اظهارنظرها ممکن است این تصور را به وجود آورد که ایالات متحده آمریکا و روسیه خواستار تضعیف اروپا هستند. به عنوان مثال، روسیه نسبت به نامزدهایی مثل فرانسوا فیون، گزینه جناح راست فرانسه و مارپن لوپن، رهبر راست افراطی فرانسه ابراز تمایل می کند، اما نامزدی مستقل و اروپاگرایی مثل امانوئل ماکرون با حملات سایبری مواجه می شود."

وزیر امور خارجه فرانسه افزود: مداخله در خط مشی دموکراتیک فرانسه غیرقابل قبول است. فرانسه این را نمی پذیرد. مردم فرانسه این را قبول نمی کنند که انتخابهایی به آنها دیکته شود.

امیدهای افغانستان در گروه چهارم قهرمانی آسیا قرار گرفتند



تیم ملی فوتبال زیر ۲۳ سال افغانستان در گروه چهارم رقابت های مقدماتی قهرمانی آسیا قرار گرفت. کفدراسیون فوتبال آسیا گروه بندی تیم های فوتبال حاضر در قهرمانی زیر ۲۳ سال آسیا را اعلام کرد که تیم ملی فوتبال امید افغانستان در گروه چهارم با تیم های لبنان، هند، بنگلادش و سریلانکا قرار گرفته است.

در این مسابقات، ۴۲ تیم از شرق و غرب آسیا در غالب ۱۰ گروه مختلف قرار دارند، کشورهای عربستان، امارات، قطر، فلسطین و قریقستان برای میزبانی این مسابقات اعلام آمادگی کردند.

دوره گذشته این رقابتها طوری بود که مسابقات هر گروه در یک کشور برگزار می شد. در دوره گذشته این رقابتها که به هدف صعود به المپیک ریو ۲۰۱۶ نیز برگزار شده بود، افغانستان با تیم های ایران، عربستان و نپال هم گروه بود که با کسب ۲ شکست، یک تساوی و یک پیروزی تیم سوم جدول شد.

تیم های صدرنشین هر گروه در کنار ۵ تیم خوب دوم همراه با چین میزبان ۱۶ تیم نهایی حاضر در این مسابقات را تشکیل خواهند داد.

بیل: چند هفته دیگر طول می کشد صدر صد آماده شوم



بال ولزی کهکشانیها با وجود بازگشت تحسین برانگیزش به میادین، هنوز خود را از نظر جسمانی کاملاً آماده نمی بیند. گرث بیل که شنبه شب در پیروزی ۲ بر صفر رئال مادرید برابر اسپانیول گل دوم تیمش را به ثمر رساند، می گوید که هنوز کاملاً آماده نشده و به اوج نرسیده است.

بیل که بعد از سه ماه دوری از میادین شنبه شب به عنوان بازیکن تعویضی در ۱۲ دقیقه پایانی به میدان رفت و با پاسی از ایسکو گل زنی کرد، در گفت و گو با شبکه تلویزیونی باشگاه رئال مادرید اظهار داشت: چند هفته دیگر طول می کشد تا به مرز آمادگی کامل برسم. حالا بعد از سه ماه تلاش و تمرین در دوره ریکاوری ام، احساس بسیار خوبی دارم و خوشحالم که با زدن گل در پیروزی تیمم سهیم شدم. او ادامه داد: دور بودن برای چنین مدت طولانی سخت بود، اما تیم در این مدت که من نبودم هم بازهائش را می برد و این مهم ترین چیز است. می خواهیم هر دو جام را ببریم و من هم می خواهم به تیم کمک کنم.

بال ۲۷ ساله رئال مادرید از هواداران تیمش که از او در بدو بازگشتش به میادین استقبال گرمی به عمل آوردند هم تشکر کرد و گفت: هواداران باور نکردنی بوده اند. آنان مرا حمایت و تشویق کردند و من علاقه آنان را نسبت به خودم حس کردم.

Mandegar

صدها مسافر در سپین بولدک گیر ماندند



احضار کرده و خواستار بازگشایی این مرزها شده است.

محمد علی داوری، کمیسار پولیس سرحدی افغانستان به دویچه وله گفت: «من خودم در بولدک هستم. بسیاری مسافران اینجا گیر مانده اند که اکثرشان مریض هستند که به هدف تدای عازم پاکستان بودند. این‌ها در هتل‌ها شب و روز خود را سپری می‌کنند. ما با جانب پاکستان صحبت کرده ایم. آن‌ها می‌گویند که تا حالا از اسلام آباد هدایتی برای بازگشایی مرز دریافت نکرده اند.»

در همین حال، مسولان حقوق بشر و نمایندگان جامعه مدنی در ولایت قندهار از دولت خواسته اند که برای حل مشکل این مسافران گیر مانده دست به کار شود. به گفته آن‌ها، افغان‌ها تروریست نبوده بلکه قربانی تروریسم هستند.

مجبوریت تصمیم به سفر به پاکستان گرفته اند و کاری به مسایل سیاسی ندارند. مریض‌داران از بدتر شدن صحت مریض شان نگرانند.

محمد اسماعیل، یک مسافر مریض‌دار می‌گوید: «مادر کلان ما همراه من است و تقریباً دو سه روز است که راه بند است و مریض ما بسیار به عذاب است. اگر راه باز نشود، شاید مریض ما جان بدهد. ما از دولت می‌خواهیم که راه را باز کند. ما پول زیاد نداریم. پولی که برای دوا و تدای گرفته بودیم در هتل‌ها مصرف کردیم و حالا نه پولی برای برگشتن داریم و نه برای ماندن در اینجا.»

گذرگاه‌های مرزی پاکستان با افغانستان چندین بار با تنش آلود شدن مناسبات دو کشور مسدود شده اند. روز گذشته وزارت خارجه افغانستان سفیر پاکستان در کابل را

مسدود بودن دروازه‌های سرحدی پاکستان با افغانستان در سه روز گذشته باعث شده که صدها تن در ولسوالی سپین بولدک ولایت قندهار منتظر بمانند. شماری از مریضان نیز در جمع این افرادند.

پس از وقوع یک انفجار انتحاری در زیارتگاه صوفیان موسوم به «لعل شهباز قلندر» در ایالت سند پاکستان که ۸۸ کشته به جا گذاشت، پاکستان مرزهای خود با افغانستان را مسدود کرد و از مقام‌های افغانستان خواست که علیه شورشیانی که به ادعای اسلام آباد در افغانستان مخفی شده اند، وارد عمل گردد.

روزانه هزاران تن برای تجارت، بازدید از وابستگان و یا هم به مقصد تدای از گذرگاه‌های مرزی چمن و تورخم به پاکستان رفت و آمد می‌کنند. به دلیل مسدود بودن گذرگاه مرزی، صدها مسافر و همچنین موترهای حامل اموال تجارتي در منطقه مرزی ویش در ولسوالی سپین بولدک ولایت قندهار معطل مانده اند.

برعلاوه تاجران، بسیاری از مردم خصوصاً از ولایت‌های قندهار، هلمند، زابل، ارزگان و دیگر مناطق افغانستان مریضان خود را برای تدای به پاکستان می‌برند.

کریم الله، یک تن از این مسافران به دویچه وله گفت: «اینجا در ویش راه بند است. مریضان هم همراه ما هستند. گذاره کردن در هتل‌های اینجا بسیار سخت است. قیمتی هم زیاد است. سابق کرایه اتاق‌های هتل ۵۰۰ و ۸۰۰ افغانی بود، حالا به ۱۲۰۰ و ۱۵۰۰ افغانی رسیده است.»

این مسافران شکایت می‌کنند که از روی

باشنده گان مشرقی:

توافق نامه امنیتی

کابل-واشنگتن باید تطبیق گردد



شماری از باشنده گان ولایت‌های مشرقی کشور می‌گویند که بر بنیاد توافق نامه امنیتی کابل-واشنگتن، امریکا باید موضع خود را در قبال راکت‌پرانی‌های مرزی پاکستان اعلام کرده و به این تجاوز پاکستان واکنش نشان دهد.

باشنده گان ولایت‌های مشرقی کشور می‌گویند، با آنکه افغانستان با امریکا توافق نامه امنیتی را امضا کرده‌اند، ولی با آن‌هم نیروهای امریکایی در کشور برای متوقف ساختن حملات راکتی تازه پاکستان بر مناطق شرقی کشور اقدامی نکرده‌اند. حملات راکتی پاکستان بر بخش‌های شرقی کشور پس از حملات اخیر انتحاری در لاهور و سند، از سر گرفته شده است و نظامیان پاکستان از سه روز به این طرف صدها راکت را به خاک افغانستان شلیک کرده‌اند.

در نتیجه این حملات، شماری از خانواده‌ها در ولسوالی لعل پور ننگرهار و بخش‌های دیگر شرقی کشور بی‌جا شده و شش نفر در ننگرهار و کتر نیز کشته و زخمی شده‌اند.

عطا الله حیران یکی از باشنده گان کتر می‌گوید، نظامیان پاکستانی روز گذشته ۲۰۰ راکت را بر ولسوالی سرکانوی ولایت کتر پرتاب کرده‌اند؛ دولت افغانستان تا هنوز هیچ کاری برای متوقف کردن و یا پاسخ بالمثل انجام نداده است.

آقای حیران با انتقاد از حکومت و نظامیان امریکایی در کشور گفت: «پیمان امنیتی با امریکا به چه معنا است که نظامیان امریکایی برای توقف حملات راکتی نظامیان پاکستانی کاری نمی‌کنند و یا عمل بالمثل انجام نمی‌دهد؛ توقع ما این است که بر بنیاد توافق نامه امنیتی کابل-واشنگتن، نظامیان امریکایی باید در برابر این حملات متجاوزانه نظامیان پاکستانی اقدام کند.»

در توافق نامه امنیتی کابل-واشنگتن، آمده است که هرگاه افغانستان از سوی کشوری مورد تجاوز قرار گیرد، امریکا و افغانستان به مشوره هم وارد عمل خواهند شد.

اما عطا الله حیران می‌گوید که اگر نیروهای امنیتی افغانستان توان مقابله با نظامیان پاکستانی را ندارند، باید حکومت افغانستان از نیروهای امریکایی بخواهد و بر آنان فشار وارد کند تا در مقابل تجاوز راکتی پاکستان وارد عمل شوند.

شیرآغا محمدی یکی از باشنده گان ننگرهار می‌گوید: «مردم مناطق شرقی کشور در نتیجه حملات راکتی پاکستان با مشکلات زیادی مواجه شده‌اند و دولت افغانستان به همکاری نیروهای امریکایی در کشور باید وارد عمل شده و از ادامه این حملات جلوگیری کند.»

آقای محمدی افزود، اگر حکومت کاری برای متوقف ساختن حملات راکتی پاکستان انجام ندهد، بسیاری مردم مناطق مرزی کشور مجبور به ترک خانه‌های خود خواهند شد.

نیروهای امریکایی در افغانستان تا هنوز در مورد حملات اخیر راکتی نظامیان پاکستانی در کشور واکنشی نشان نداده‌اند؛ اما عبدالله عبدالله، رییس اجرایی حکومت وحدت ملی اعلام کرده است که تلاش‌های سیاسی برای متوقف کردن این حملات آغاز شده است.

وزارت دفاع ملی نیز روز گذشته اعلام کرد که منتظر متوقف کردن این حملات از طریق گفتگوهای سیاسی است و اگر گفتگوها جواب ندهد، نیروهای امنیتی و دفاع کشور آماده پاسخ‌دهی می‌باشند.

دیروز نیز مقام‌های ارشد نظامی کشور شامل قدم شاه شهیم رییس ستاد ارتش، جنرال عبدالرحمان رحمان، معین امنیتی وزارت داخله و ادیب فهیم معاون اول ریاست امنیت ملی برای بررسی حملات راکتی پاکستان به ننگرهار رفته‌اند.

براساس گزارش‌ها، نظامیان پاکستانی از روز جمعه تا اکنون بیش از ۴۰۰ راکت را به سمت مناطق مرزی افغانستان پرتاب کرده‌اند.

پولیس شاهراه کندهار-ارزگان پوسته‌های شان را رها کردند

برگشته‌اند.

به گفته سخنگوی والی ارزگان، پولیس کندهار در ولسوالی شاه ولی کوت در مربوطات همین شاهراه نیز از وظایف خویش دست کشیده‌اند.

شاهراه کندهار-ارزگان ۱۵۰ کیلومتر طول دارد که طبق گزارش‌ها در جریان ۹ ماه گذشته دوبار به مدت ۳ ماه به روی ترافیک مسدود بوده است.

آقای نایاب گفت، نه تنها پولیس شاهراه، بلکه در سطح کل ارزگان، پولیس معاش خود را نگرفته است. این مقام ولایت ارزگان می‌گوید که پولیس ولایت ارزگان، ۴ ماه می‌شود که معاش خود را نگرفته است.

او اظهار داشت که به دلیل مشکل در رهبری پولیس این ولایت، مشکل پرداخت معاش در این ولایت وجود دارد. نایاب تصریح کرد: ۷ بار می‌شود که فرماندان امنیه این ولایت تبدیل شده و مشکل در صف پولیس این ولایت پیش آمده است.

اما فرماندانی امنیه ارزگان گفته است که به دلیل تمام شدن سال مالی، معاش پولیس باقی مانده است.

دوست محمد نایاب می‌گوید که تلاش‌ها جریان دارد تا این مشکل حل شود، شاهراه به روی ترافیک باز شود و پولیس دوباره به وظایف‌شان برگردند.



او گفت، تنها پولیس ارزگان نیست که به دلیل پرداخت نشدن معاش از وظایف خویش دست کشیده‌اند، پولیس کندهار در نیز همین اقدام را انجام داده‌اند.

آقای نایاب بیان داشت که پولیس مربوط ولایت ارزگان در مسیر شاهراه کندهار-ارزگان که شمار آن‌ها به ۴۰ نفر می‌رسد، ۴ پوسته امنیتی را رها کرده و به شهر ترینکوت برگشته‌اند.

پولیس شاهراه کندهار-ارزگان در اعتراض به پرداخت نشدن معاش‌شان، پوسته‌های امنیتی این شاهراه را رها کرده و در حال حاضر این مسیر به روی ترافیک مسدود است.

دوست محمد نایاب، سخنگوی والی ارزگان گفته است، مدت ۳ روز می‌شود که پولیس شاهراه کندهار-ارزگان پوسته‌های امنیتی را رها کرده و به شهر ترینکوت برگشته‌اند.